

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

دوم فیروزی ۲۰۱۲

کتاب‌های مقدس آسمانی

چهار کتاب

بخش چهارم

حواریون دوازده گانه عیسی نیز افسانه‌ای است که ساخته و پرداخته نسل سوم عیسویت می باشد و رقم دوازده بدین منظور تعیین گردیده که نشانه دوازده طایفه ای اسرائیل و ارتباط دهنده عهد قدیم با عهد جدید باشد
مسأله تثلیث مسیح یعنی ترکیب پدر و پسر (خدا و عیسی) و روح القدس در هیچ یک از انجیل ها طرح نشده است و بسیاری از محققین به این نظر اند که مسأله تثلیث تا قرن پنج میلادی جزء معتقدات اصولی سران کلیسای کاتولیک نبوده است. به گفته ولتر در (دیکسیونر فلسفی) از زمانی که عیسی به صلیب کشیده شد تا وقتی که او به خدائی شناخته شد سه قرن فاصله بود و این تبدیل بشر به خدا در این مدت درست بر الگوی تبدیل امپراتوران به خدایان در امپراتوری روم انجام گرفت. در آغاز عیسی فقط مخلوقی بر تر از دیگران شناخته شد بعد ما فوق ملایک جای گرفت بعداً تراوش خدا دانسته شد که پیش از خلقت کائنات وجود داشته است و سر انجام خودش خدای دوم اعلام شد)

در جهان مسیحیت عیسی را فرزند خدا می دانند که قرآن آن را رد می کند در سوره نسا آیت ۱۷۱ می گوید:
(خداوند خدای یکتاست و منزله است از آن که وی را فرزندی باشد) در سوره توبه آیات ۳۰-۳۱ چنین می گوید:
(یهودیان گفتند عزیز فرزند خدا است و ترسایان گفتند مسیح فرزند خداست . اینان همان را بازگو می کنند که پیش از آن کافران گفته بودند . **خدا بکشدهشان** که به دو چنین دروغ می بندند) جالب این است که هویت این عزیز معلوم نیست محققین گفته اند که منظور همان عزرا پیامبر تورات می باشد اما او هم هیچ گاه دعوا نکرده که فرزند خدا است و جالب تر نفرین (**خدا بکشدهشان**) در این آیت است و می گویند آیت قرآن حرف خدا ست؟! مگر آیا این قابل قبول است که خدای اسلام در قرآن چنین چیزی بگوید!؟!!

در انجیل ها مثل قرآن می توان لشکر کشی های ملایک را که از تورات و افسانه های اساطیری اقتباس شده است

مشاهده نمود در انجیل از قول عیسی در موقع دست گیری او توسط سر بازان رومی گفته شده است که در خطاب به یکی از حواریون خود که در صدد دفاع از او بر آمده است می گوید:

« مگر نمی دانی که من می توانم از پدر آسمانی ام بخواهم بیش از دوازده فوج از ملائکه را به کمک من بفرستد اما در آن صورت پیشگویی های کتاب مقدس چگونه تحقق یابد؟ » - متی باب بیست و ششم ۵۳-

در قرآن نیز آمده است که خداوند در جنگ احد سه هزار ملک را به یاری مسلمانان می فرستد و به آنها وعده می دهد که اگر بردبار باشند پنجهزار تن دیگر از ملایکه را نیز به کمک آنان خواهد فرستاد- آل عمران آیت ۱۲۵ (فکر می شود در آن زمان عساکر خداوند یا ملایک به اندازه کافی نبوده تا خداوند همه را یک بار به کمک مسلمین در جنگ بفرستد و شاید هم مدتی طول می کشیده تا چند هزار ملایکه جنگی خلق شود چون خداوند گفته اگر بردبار باشید (به کسانی که در حال جنگ بودند)!!!؟؟

در این سه کتاب آسمانی موضوعاتی مربوط به خلقت - معجزات پیامبران - معاد یا قیامت- بهشت و جهنم جبر و اختیار یا تقدیر و امثالهم موجود است که قسمتی از آنها را در بخش های جداگانه به تحلیل مختصر خواهیم گرفت. اما به اجمال نظر این ادیان آسمانی را پیرامون موضوع مهم و حیاتی فقط در باره زن خواهیم خواند . مثلاً حقوق زنها چیست؟؟

عیسویت می گوید : (مرد جلال خدا را منعکس میسازد اما زن جلال مرد را منعکس می سازد زیرا که مرد از زن زاده نشد بلکه زن بود که از مرد به وجود آمد مرد به خاطر زن آفریده نشد بلکه زن برای مرد خلق گردید. بدین جهت زن باید هنگام دعا سرش را بیوشاند تا نشان دهد که تحت فرمان مرد است. آیا شایسته است که زن با سر برهنه در پیش خداوند دعا کند ؟ بدانید که سر هر مرد مسیح است و سر مسیح خداست ولی سر هر زن شوهر اوست. زنی که با سر برهنه دعا کند سر خود را یعنی شوهرش را رسوا ساخته است). - رساله اول قرننثیان فصل یازدهم ۳-۱۳- و هم (ای زنها طوری از شوهران خود اطاعت کنید که از خداوند اطاعت می کنید). (رساله پائولوس رسول به افسسیان فصل پنجم ۲۲) و باز هم می خوانیم که (زن اجازه ندارد که تعلیم دهد یا بر مردان حکومت کند . زنان باید ساکت باشند زیرا اول آدم آفریده شد و بعد حوا . و آدم نبود که فریب خورد بلکه زن فریب خورد و قانون خدا را شکست - رساله اول پولس رسول به تیموتائوس فصل دوم ۱۲-۱۴-

این بود خلاصه یک مورد از انجیل و عیسویت در مورد حقوق زن . حال می پر دازیم به تشریح مختصر چهارمین کتاب آسمانی که میلیون ها پیرو داشته و روز به روز هم نا آگاهانه و غیر ارادی به این قشر افزوده می شود . گرچه من در نوشته های قبلی ام زیر عنوان «بررسی مختصر قرآن» در مواردی مرتبط صحبت داشته ام اما نوشتن و تحلیل بعضی از احکام قرآن اگر تکراری نباشد مطالعه آن خالی از دلچسبی نخواهد بود تا فهمیده شود این قرآن چی می گوید؟؟ و بشریت را به کدام راه سوق می دهد؟؟

قرآن :

اصلاً از کلمه «قرء» یعنی خواندن مشتق شده و این کتاب که از طرف محمد چهارمین و آخرین کتاب آسمانی و کاملترین آنها به حساب آمده دارای ۱۱۴ سوره و ۶۲۳۶ آیت و ۷۷۶۳۹ کلمه و به قولی ۷۷۹۳۴ کلمه و ۳۲۳۰۱۵ حرف و یا به قولی دیگر ۳۲۳۶۲۱ حرف می باشد . ۸۸ سوره آن در مکه در ۱۳ سالی که محمد در مکه اقامت داشت تدوین شده و به نام سوره های مکی معروف می باشند چون محمد از ابتدای بعثت تا هجرت در

مکه فاقد قدرت نظامی و سیاسی بود نه تنها مورد حمایت قوم و قبیله خود قرار نگرفت بلکه قبایل دیگر اعراب بادیه نشین توجهی به حال او نداشتند و مورد استهزای مردم قرار گرفت در چنین حالتی محمد اجباراً در همه آن سوره‌ها از برادری، صلح، حقوق مساوی، صبر و حوصله و غیره اعمال مسالمت آمیز صحبت داشت و اما بعد از فرار به مدینه و شروع حملات به کاروانهای تجارتی نزول ۲۶ سوره قرآن که کشتار یهودیان و غیره مردم را امر می کرد از خشن بودن اسلام و از قهر و غضب صحبت می نمود، در مدینه تدوین یافت که قسمتی از شرح نزول آیات چپاولگری و استفاده های مادی و معنوی محمد و یارانش در بخش «غزوات محمد» قبلاً تحریر یافته و در آرشیف همین پورتال آزادگان موجود است و به طور خلاصه باید بنویسم که چهره محمد و اسلام را در آیات مکی پیامبر صلح، ناصح، خیر خواه، صلح طلب و آزاده و در سوره‌های مدنی یک سلطان مذهبی، قدرت طلب ستمگر و انتقامجو می توان دید و باید متذکر شد که این قرآن که به زعم مسلمین تنظیم کننده زندگی بشر به شکل کلی و تمامی می باشد در ترتیب سوره‌ها، احکام و خلاصه اصول دین اسلام شباهت تام با دین یهود دارد.

در ابتدای بعضی از سوره‌ها حرف و یا چند حرف مرموز نوشته شده مثل «الم» در ابتدای سوره بقره و «المص» در آل عمران «کهیعض» در ابتدای سوره مریم و غیره می باشد که مهدی الهی قمشهای در تفسیر حروف مذکور مطالبی می نویسد :

« اسرار این حروف نزد خدا و رسول او ست» و در بعضی موارد دیگر می نویسد: «این حروف اسراری است میان خدا و رسول» و ممکن است هیچ مفهومی نداشته باشد؟؟ ورنه این دلالتان دین و نوکران شیخک های عرب تا حال سعی نموده اند یک چیزی گفتنی در باره آنها بتراشند؟؟؟ *

مسلمانان عقیده دارند که قرآن توسط جبرئیل یکی از ملائکه مقرب از طرف خدا به محمد وحی شده است و گروهی عقیده دارند که قرآن اول از لوح محفوظ به بیت المعمور ارسال و بعداً در اوقات جداگانه از بیت المعمور به محمد توسط جبرئیل نازل شده است . بر طبق نوشته‌های اسلام ۱۲۴۰۰۰ پیامبر برای رهنمای بشر ظهور نموده اند که اولی آن آدم و آخرین آن محمد است . قرآن از ۲۲ پیامبر که دارای درجه کم اهمیت‌تر اند به علاوه شش پیامبر اصلی «آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد» ذکر نموده است که عبارت اند از «ادریس، هود، صالح، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، لوط، هارون، شعیب، زکریا، یحیی، داوود، سلیمان، الیاس، الیجاه، ایوب، یونس، عزرا، لقمان، ذوالکف-عوبدیا- و ذوالقرنین- اسکندر کبیر مقدونی فرزند فلیپ- و اسامی آدم ، نوح و ابراهیم هفتاد مرتبه در قرآن ذکر شده است.

از جمله پیامبران ذکر شده در قرآن سه «هود، صالح و شعیب» عرب بوده‌اند. نام سه پیامبر «زکریا، یحیی و عیسی» که در انجیل ذکر شده و نام سایر پیامبران از تورات گرفته شده است. قرآن از چهار پیامبر «نوح، ابراهیم، موسی و عیسی» به نام پیامبرانی که با خدا میثاق بسته اند نام می‌برد و در ۳۴ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن نام موسی ذکر شده است. قسمت عمده قرآن را داستانها تشکیل می دهد از قبیل چگونگی آفرینش جهان، داستانهای آدم و حوا، نوح ، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، یوسف، ایوب، یونس، موسی، سلیمان و غیره که همه تکرار مطالب تورات است مخصوصاً داستان موسی و فرعون در ۳۳ سوره قرآن یعنی یک سوم قرآن ذکر و تکرار شده است. قرآن می گوید که چهار کتاب آسمانی از طرف خدا برای چهار پیامبر آمده است . تورات از طرف خدا به موسی زبور به داوود انجیل به عیسی و قرآن به محمد نازل شده است . قرآن اصالت و آسمانی بودن هر چهار کتاب را تأیید و قرآن را روشنگر ابهامات کتاب‌های آسمانی قبلی و در بر دارنده واقیعت مطلق می داند . و این در حالیست که قرآن آن ادیان و کتاب‌ها را تأیید می دارد و ایمان داشتن مسلمان را بر آن کتاب‌ها شرط اسلامیت می داند و

سوالی که در این مورد به وجود می آید که آن ادیان وقتی آسمانی بودند و کتاب‌های شان هم گفتار وحی خدا است، چرا دچار آن همه نواقص و خلاء های اجتماعی و انسانی است؟؟ باید حد اقل فقط حد اقل شکل اخلاقی و انسانی می داشت و کمتر ضرورت پیدا می شد تا خداوند باز زحمت کشیده و کاملتر از آن را برای بشریت بفرستد؟؟ مگر شما در کجای کتاب زبور داوود پادشاه می خوانید که نواقص تورات و یا کتاب‌های مقدس عهد قدیم و عصر جدید را اصلاح نموده باشد؟؟ و یا انجیل و یا قرآن!!!! یکی لطفاً پیش آید و توضیح دهد!!

حال می پردازیم به یک سلسله تجسس در مورد محتویات و بنیان اصلی قرآن که تشکیل‌دهنده مبادی آن می باشد. نظر به نوشته کتاب «عربستان گهواره اسلام» دین اسلام هیچ نوع تازه آوری و عقیده جدید مطرح نداشته فقط کاپی و تکرار متن کتاب‌های ادیان قبل از محمد می باشد مثلاً: آیت ۹ سوره جن از شهاب های ثاقبی (ستاره‌های دنباله‌دار) صحبت می کند که به اجنه از طرف ملائکه بر شیاطین پرتاب می‌شود و خداوند در آیت ۱ سوره نجم و آیات ۷۵ و ۷۶ سوره واقعه به ستارگان قسم می خورد که همه از موهومات خرافی قبایل عرب که قبل از اسلام وجود داشته و در قرآن آورده شده و همچنان طواف خانه کعبه (الله) که قبل از محمد نام بتی در خانه کعبه بوده است، بوده است. زیارت حجرالاسود که قبل از محمد بوده، مراسم حج مثل کوتاه نمودن مو، احرام، پرتاب سنگ به شیطان "رمی جمره"، قر بانی نمودن گوسفند و سعی بین صفا و مروه، تعدد زوجات، بردگی، طلاق فوری زنان، تشریفات نظافت ختنه نمودن همه این‌ها برداشتی از اعمال و عقاید بت پرستان سر زمین‌های اعراب و یهودی‌ها می باشد که در قرآن باز تاب یافته است و همچنان منشاء آفرینش کائنات، پل صراط، بهشت، خصوصیات بهشت، حوری های بهشت ثنوری جن و انواع آن و جن زدائی از اصول مذهبی زرتشت گرفته شده است.

استعمال تسبیح از مذهب بودا و همچنان موارد ذیل از دین یهود «تورات و تلمود» اقتباس شده است:

تابوت «کشتی نوح» تورات، عدن، جهنم- خاخام، احبار «معلمان» فرقان. این کلمات همه عبری استند نه عربی. وحدت خدا، معاد، هفت بهشت و هفت جهنم، روز قیامت، علایم روز قیامت، یا جوج و ماجوج، نماز و اوقات آن و چگونگی بر کزاری آن، غسل های مربوط به زنان «با آب یا خاک»، موارد استعمال انشاءالله، سن بلوغ و همچنان افسانه‌ها و قصصی که در قرآن ذکر شده مثل آدم، قابیل، نوح و طوفان نوح، اسحاق و اسماعیل، یوسف، ابراهیم، نمرود، فرعون، موسی و داستانهای مربوط به هارون، شعیب، تالوت، گولیات و مخصوصاً سلیمان همه از تلمود برگرفته شده است.

نام‌ها و مسابلی که از دین مسیح اقتباس شده است: عبارت اند از زکریا، یحیی و جبرئیل از انجیل. احترام به مقامات مذهبی، عیسی مسیح و افکار مصلوب شدن وی، مریم باکره و «حواریون» که یک کلمه حبشی است و معنی «پاکان» را می دهد، عقاید مربوط به تثلیث، داستانهای مسیحی مانند داستان هفت خوابنده «اصحاب کهف»، اسکندر ذوالقرنین، روزه یکماهه، دادن صدقه به عنوان یکی از اصول مهم عبادت.

اما در باره تسلسل موضوعات و احکام مشخص که تعیین کننده امور زندگی مردم عادی باشد باید گفت که قرآن دارای هیچ نوع نظم منطقی و یا فلسفی نیست مثلاً شما در سوره «جن» راجع به مسجد می خوانید و در سوره روم که با جنگ با رومیان شروع می‌شود در پایان شما در باره احکام نماز می خوانید و از زنده کردن مرده ها در روز قیامت و بعد آن از باد و باران گفته می‌شود و همچنان در سوره «نحل» که مفهوم «زنبور عسل» را دارد و این سوره ۱۲۷ آیت است فقط دو آیت یعنی در آیات ۶۸ و ۶۹ از زنبور عسل سخن گفته شده است و بس.

در تمام قرآن که همه از خرافات و موهومات پر است از هیبت و وحشت آفرینی «الله» زیاد سخن گفته شده است. با مطالعه سر تا پای قرآن خواهیم دید که قرآن بردگی، تعدد زوجات، طلاق، اسارت زنان و همه را برای

بشریت به مثابه قانونی مقدس پیشکش و این باور ها را به نفع مردان در مغز انسان ها جاودانی میسازد. در قرآن موضوع «خشم خدا» به صراحت و کرارا مطرح شده است. در آیت ۵ سوره مائده واضحا نوشته که (.... از آن ها نترسید بلکه از من بترسید.....) «امبریت» در کتاب «ده مذهب بزرگ ج ۱۱ ص ۶۸ چنین می نویسد (خدای محمد را معمولاً باید در زلزله، باد و آتش جست و جو کرد)

ادامه دارد

یادداشت:

* - تا جایی که مطالعات و دقت در معانی آیات بعد از حروف نامفهوم ، به این قلم اجازه می دهد، باید بیفزایم که آن کلمات می توانند، مخفف اسم کسانی اعم از قاری ها و افراد دیگری باشند که آن بخشها را نزد خود یادداشت نموده و جهت تدوین کامل قرآن به عثمان خلیفه سوم مسلمانان که قرآن در زمان وی تدوین گردید، فرستاده و به خاطر آن که قسمت فرستاده شده مورد اعتماد بیشتر قرار گیرد، فرستنده مخفف اسم خویش را نیز در آغاز مطلب ارسالی درج نموده بود. در غیر آن آمدن کلمات نامفهوم در قرآن، نه تنها با روح قرآن که بر مبنای اعتقادات اسلامی می بایست به خاطر هدایت مسلمان آمده باشد، مغایرت دارد، حتا با نص صریح قرآن که ده ها بار از آن زیر نام کتاب "روشن"، و اضح و آشکار یادآوری صورت گرفته در تقابل قرار می گیرد.

ویراستار بخش مسایل اعتقادی پورتال AA-AA